

The Role of the Governance System of Higher Education in Promoting the National Identity of Iran

Abdolrahman Hassanifar*

Majid Abbaszadeh Marzbali**

Abstract

National identity is one of the important fields that any government can manage in a way by adopting strategic policies and policies, and thus, the tendency of the members of the scientific, academic and student community, to strengthen awareness and knowledge about it; Because the issue of national identity is important for society in different ways. The first important point is that national identity can provide reasons for strengthening solidarity and cohesion in the country. Second, dealing with the challenges of national identity requires taking into account the changes and developments that require knowledge and awareness. Meanwhile, one of the important tools and mechanisms of the government to develop and strengthen the national identity, through the channel of awareness, is the institution of higher education. The university education system in the channel and path of education can transfer the concepts and proper understanding of the challenges and issues of national identity in the changing conditions and the need to adopt a suitable scientific strategy for it. So that, as a result, the grounds for strengthening people's sense of belonging to their national identity through science and knowledge are provided, which ultimately leads to the consolidation of solidarity and social cohesion. Considering the importance of this issue and the complex challenges that have arisen in connection with the national identity, the necessity of using this capacity is felt more and more. The State of the

* Associate Perofessor of Political History, Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author),
hassanifar@yahoo.com

** Ph. D of Political Science, Institute for Humanities and Cultural Studies, m.a.marzbali@gmail.com

Date received: 19/07/2023, Date of acceptance: 25/11/2023



Islamic Republic of Iran is also forced to make better use of higher education in order to train students in order to strengthen their orientation towards their national identity. Considering the fact that a large part of Iran's population is young and in the era of globalization, and the role of this phenomenon in weakening the tendency of many Iranian students towards their national identity, this issue has become more necessary. The method of the article is descriptive-analytical and the findings indicate a change in some orientations towards new challenging situations.

Keywords: Governance, Higher Education, National Identity, Globalization, Cyber Space, Iran.

نقش نظام حکمرانی آموزش عالی در ارتقای هویت ملی ایران

عبدالرحمن حسینی‌فر*

مجید عباس‌زاده مرزبالی**

چکیده

«هویت ملی» از جمله عرصه‌های مهمی است که هر حکومت و حکمرانی می‌تواند با اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی به مدیریت مناسب این حوزه بپردازد و بدین وسیله گرایش اعضای جامعه علمی، دانشگاهی، و دانشجویی را به آن از مسیر آگاهی و دانش تقویت کند؛ چراکه این موضوع از جهات متفاوت برای هر جامعه‌ای مهم است؛ هویت ملی می‌تواند موجبات تحکیم هم‌بستگی و انسجام در کشور را فراهم کند. پرداختن به هویت ملی معطوف به چالش‌ها مستلزم در نظر داشتن تغییرات و تحولاتی است که ضرورت دانش و آگاهی را طلب می‌کند. در این میان، یکی از ابزارها و سازوکارهای مهم برای تکوین و تقویت هویت ملی از مجرای آگاهی نهاد آموزش عالی است. سیستم آموزشی دانشگاهی در کانال و مسیر آموزش می‌تواند به انتقال مفاهیم و فهم مناسب چالش‌ها و مسائل هویت ملی در شرایط در حال تغییر و لزوم اتخاذ راهبرد علمی مطلوب در قبال آن بپردازد تا به تبع آن، زمینه‌های تقویت حس تعلق افراد به هویت ملی خود از طریق علم و دانایی فراهم شود که در نهایت به تحکیم هم‌بستگی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود. با توجه به اهمیت این موضوع و چالش‌های پیچیده‌ای که در ارتباط با هویت ملی شکل گرفته است، ضرورت استفاده از این ظرفیت بیش‌ازپیش حس می‌شود. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر ناگزیر از بهره‌گیری مطلوب‌تر از آموزش عالی به منظور تربیت دانشجویان در جهت تقویت گرایش آنان به هویت ملی خود است. این مسئله با توجه به جوان بودن بخش عمده‌ای از جمعیت ایران، قرار داشتن در عصر جهانی شدن، و نقش این پدیده در تضعیف گرایش بسیاری از دانشجویان ایرانی به هویت ملی

* دانشجویار تاریخ سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، hassanifar@yahoo.com

** دکترای علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m.a.marzbali@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴



خود ضرورت پرداخت بیش‌تری یافته است. روش مقاله توصیفی - تحلیلی و یافته‌ها حکایت از تغییر در برخی جهت‌گیری‌های معطوف به وضعیت‌های چالشی جدید است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، آموزش عالی، هویت ملی، جهانی‌شدن، فضای مجازی، ایران.

۱. مقدمه

هویت ملی از موضوعات مهمی است که در حوزه عمومی و کلان هر جامعه‌ای وجود دارد. بحث ملیت و هویت ملی تابع تاریخ، سیاست، تجربه زیسته، و فعالیت‌های کنش‌ورزانه یک ملت است. شکل هر جامعه‌ای به هر نحوی که باشد به‌نوعی متأثر از سیاست است و این سیاست در دل هویت ملی وجود دارد. از زمانی هم که نظام ملت - دولت‌ها (nation-state) شکل گرفته است بحث دولت‌های تابع ملت‌ها نیز مهم‌تر شده است. هویت ملی دارای سه پایه است: اول، تاریخی که بر یک ملت رفته و طبعاً خود دارای مؤلفه‌ها و محتوایی است. دوم، سیاستی که مستقر است و سوم، تغییرات و تحولاتی که به‌نوعی باعث چالش در حوزه هویت ملی می‌شوند. این سه حوزه ثابت و ایستا نیستند و هر زمان فهم جدیدی از آن‌ها می‌تواند شکل بگیرد. پایه اول، که معطوف به تاریخ است و چون از جنس تاریخ است و در تاریخ هم اصل «گفت‌وگوی ناتمام» حاکم است، بحث تفسیرها و تحلیل‌های جدید همیشه وجود دارد و این در ارتباط با هویت ملی نیز وجود دارد. سیاست مستقر هم تابع تغییر حکومت‌ها، کارگزاران، سیاست‌هاست و تصمیم‌ها همیشه احتمال تغییر دارند. چالش‌ها نیز تابع واقعیات هستند و هر زمان می‌تواند واقعیتی بروز کند که چالشی جدید را رقم بزند.

امروزه در حوزه هویت ملی به‌خاطر تغییرات عینی فراوان در عرصه علم، آگاهی، و کنش‌گری چالش‌هایی برای هویت ملی رقم خورده است که باعث می‌شود نظام سیاسی و حکمرانی درقبال این موضوع فراتر از آداب و رسوم و آیین‌ها، حکمت، و خرد تاریخی عمل کند و عملکردش با عطف توجه به تاریخ متوجه وضعیت‌های جدید در حال اتفاق افتادن باشد. این همان عرصه حکمرانی است. اگر حکمرانی را اعمال اقتدار حکومت از طریق نهادها و ابزارهایی به‌منظور اداره و مدیریت امور و سطوح مختلف کشور در نظر بگیریم، در این صورت هویت ملی یکی از عرصه‌های موضوعی مهمی است که حکومت‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و به‌کارگیری ابزارها و روش‌های مناسب به مدیریت در آن بپردازند. اهمیت هویت ملی به‌عنوان میراثی تاریخی و انباشتی به‌دلیل نقش آن در هم‌بستگی و انسجام ملی کشور است. هم‌بستگی و انسجام هم اگر وجود داشته باشد، امنیت، قدرت، و ظرفیت نیز حاکم است که این

خود نتایج مفیدی را برای جامعه در بر خواهد داشت و این موضوع حکومت‌ها را به توجه جدی به این حوزه راهبردی ملزم کرده و از این رو سعی می‌کنند تا با اتخاذ راه‌بردها و به‌کارگیری ابزارهایی به تقویت گرایش اعضای جامعه‌شان به هویت ملی خود و در نتیجه تحکیم هم‌بستگی و هویت ملی در کشور بپردازند.

دوام و بقای مناسب هر امر اجتماعی و فرهنگی، که جنبه‌های تاریخی دارد، به عوامل مهمی چون نوع سیاست‌های حکومت و شیوه حکمرانی وابسته است، بنابراین استمرار، پویایی، و بقای هویت تاریخی ملی یک جامعه نیز ارتباط اساسی با عوامل مذکور دارد و از این رو عدم اتخاذ روش‌ها و راهبردهای مناسب در عرصه حکمرانی در زمینه موضوع هویت ملی می‌تواند موجبات نوعی تضعیف هم‌بستگی و هویت ملی در کشور را فراهم و آن کشور را از دستیابی به ثبات و پیشرفت دور کند. یکی از سازوکارهای مهم حکومت‌ها برای تکوین و تقویت هویت ملی و ایجاد زمینه‌های تعلق به آن در نزد اعضای جامعه نهاد آموزش عالی است. ورود به این عرصه حرکت در مسیر دانشگاه ملی است؛ دانشگاهی که به مشکلات جامعه خود توجه دارد. ورود حکمرانی در این عرصه هم‌راه با نوعی سیاست‌گذاری و طراحی خط‌مشی است.

نقش آموزش عالی در تکوین و تقویت هویت ملی چنان بارز است که هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که بدون بهره‌مندی از آن توانسته باشد به این مهم دست یافته باشد (مقصودی ۱۳۹۱: ۵). آموزش عالی بالاترین سطح آموزش رسمی محسوب می‌شود که دارای بازده خصوصی و عمومی است. از این رو، بیش‌تر دولت‌ها و جوامع به سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری در این حوزه و گسترش آن توجه و تمایل ویژه‌ای دارند. توجه به آموزش عالی و تأثیر آن در جامعه موجب شده است که یکی از حوزه‌های پیش‌رو در بحث تحولات هویتی باشد (سیدعلوی و مهاجران ۱۳۹۶: ۱۳۸). سیستم آموزشی دانشگاهی در کانال و مسیر آموزش می‌تواند به انتقال مفاهیم و فهم مناسب چالش‌ها و مسائل هویت ملی در شرایط در حال تغییر و لزوم اتخاذ راه‌برد علمی مطلوب در قبال آن بپردازد، تا به تبع آن زمینه‌های تقویت حس تعلق افراد به هویت ملی خود از طریق علم و دانایی فراهم شود که در نهایت به تحکیم هم‌بستگی و انسجام اجتماعی منجر می‌شود. در واقع، امروزه دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین کانون‌های خودآگاهی هویتی تبدیل شده‌اند که از نقش اساسی در زمینه هویت ملی برخوردارند و می‌توانند موجبات گرایش افراد به ملت و هویت ملی را فراهم کنند و بدین وسیله به دولت‌ها در ایجاد و تحکیم هم‌بستگی ملی کمک کنند.

باتوجه به آنچه بیان شد، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر ناگزیر از بهره‌گیری مطلوب‌تر از نهاد آموزش عالی به عنوان یکی از ابزارهای مهم حکمرانی خود،

به منظور تربیت و آموزش دانشجویان در جهت تقویت گرایش آنان به هویت ملی خود و در نتیجه تحکیم هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در کشور است. در کشور ایران، باتوجه به اوضاع و ویژگی‌های جمعیتی، امر آموزش اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بخش عمده‌ای از جمعیت کشور جوان هستند و دانشگاه در شکل‌گیری هویت این گروه سنی تأثیر به‌سزایی دارد. بنابراین، باتوجه به نقش اساسی این نهاد آموزشی در زمینه هویت ملی دولت جمهوری اسلامی می‌بایست در این عرصه تمهیداتی را اتخاذ کند تا در نتیجه آن افرادی پرورش یابند که توجه به هویت ملی ایرانی و مبانی آن را در هویت‌جویی لازم و حیاتی انگارند. این مسئله باتوجه به قراردادن در عصر موسوم به جهانی شدن و تأثیر انکارناپذیر این پدیده بر جامعه ایران اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است.

امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که مرزهای جغرافیایی، سیاسی، و اقتصادی کشورها شکسته شده‌اند و هویت‌ها و فرهنگ‌های جوامع مختلف در تبادل، تعامل، و تقابل باهم قرار گرفته‌اند. می‌توان گفت، برخلاف گذشته، در جهان امروز و در نتیجه گسترش جهانی شدن و فضای مجازی (به عنوان یکی از ابزارهای مهم جهانی شدن)، مرزهای نفوذناپذیر بین مقولات و گروه‌های هویتی دیگر مستحکم نیستند، بلکه به شدت آسیب‌پذیر و شکننده شده‌اند و فضای انحصاری هویت‌سازی، که در اختیار حکومت‌ها بود، از بین رفته است (بنگرید به عباسی قادی و خلیلی کاشانی ۱۳۹۰؛ گل محمدی ۱۳۸۹؛ گیدنز ۱۳۸۴). در چنین شرایطی افراد در جریان هویت‌یابی با ارزش‌های متنوعی روبه‌رو می‌گردند، به‌طوری‌که منابع جدید و فراملی را جذاب‌تر از منابع سنتی جامعه خویش می‌یابند و از این‌رو در تصویر هویتی خویش دچار تردید و بحران می‌شوند. در همین باره و در نتیجه نفوذ و گسترش فضای مجازی در ایران و مواجهه هرچه بیش‌تر ایرانیان با جوامع و فرهنگ‌های دیگر بسیاری از آنان در معرض پرسش‌های اساسی در زمینه کیستی و هویت ملی خود قرار گرفته‌اند (بنگرید به آزاد ارمکی ۱۳۹۰؛ بابایی فرد ۱۳۹۲؛ میرمحمدی ۱۳۹۴؛ عباس‌زاده مرزبالی ۱۴۰۰).

نکته مهم در این‌جا این است که در ایران امروز بخش قابل‌توجهی از کاربران فضای مجازی را دانشجویان تشکیل می‌دهند و قرار گرفتن آن‌ها در برابر این پدیده باعث شده است آنان با هویت‌ها و منابع هویتی جدیدی روبه‌رو شوند که این مسئله بر گرایش آن‌ها به هویت ملی خود و منابع سنتی هویت ملی کشور، یعنی ایرانیت و اسلامیت، تأثیر منفی گذاشته است. هم‌چنین درکنار این، بسیاری از دانشجویان قومی ایرانی با بهره‌گیری از امکانات ارتباطی جهانی شدن درصدد تقویت هویت قومی‌شان به‌ضرر هویت ملی خود برآمده‌اند. به‌باور این مقاله، استمرار این وضعیت، در صورت عدم اتخاذ سیاست هویتی و شیوه مدیریتی مناسب در

عرصه آموزش عالی از سوی نظام حکمرانی می‌تواند موجبات بروز بحران هویت ملی و تضعیف هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در کشور را فراهم کند. حرکت در مسیر طرح هویت ملی ایران در نهاد آموزش عالی و توجه حوزه حکمرانی به آن از چند جهت مهم است؛ یکی از این جهت که نوعی تلاش در جهت رفع اشکالی است که نسبت دانشگاه‌ها در ایران وجود دارد و آن این‌که دانشگاه در این جامعه به محتوای تاریخی و طرح مشکلات و مسائل ایران نمی‌پردازد. دوم این‌که، قرارداد موضوع هویت ملی در سطح حکمرانی علمی نشان از اهمیت آن دارد و در این میان توجه به کنه این حوزه است و آن پایه و مبنای علمی بحث هویت ملی است. به عبارت دیگر، هنگامی که موضوع هویت ملی در حوزه آموزش عالی آورده می‌شود، باید از قدرت و توان علمی لازم برخوردار باشد تا بتواند باعث بقای خود شود. در بحث سیاست‌گذاری مربوط به هویت ملی حتماً لازم است به نسل‌های دانشگاه که مراحل آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی، و جامعه‌محوری را گذرانده توجه شود. در هرکدام از این نسل‌های دانشگاهی نوعی از سیاست‌گذاری قابل‌ارائه است.

۲. چهارچوب مفهومی و نظری

۱.۲ تعریف مفاهیم

۱.۱.۲ حکمرانی (governance)

برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، و مدیریت وضعیت یک کشور را می‌توان دغدغه و موضوع مشترک کلیه دولت‌ها و جوامع در ادوار مختلف تاریخ دانست. آنچه در این حوزه همواره اهمیت ویژه‌ای داشته، الگوی سازمان‌دهی و مدیریت عرصه‌های مختلف است. از این‌الگو امروزه با عنوان حکمرانی یاد می‌شود (قجری و نوربخش ۱۴۰۰: ۴۰). هنگامی که از واژه حکمرانی برای بحث درباره حکومت و بخش عمومی استفاده می‌شود، منظور بنیان‌های نهادی اقتدار عمومی، تصمیم‌گیری، و شیوه اعمال حاکمیت از طریق قوانین، هنجارها، و ... است. در این وضعیت، واژه حکمرانی نهادها، نظام‌ها، قواعد بازی، و سایر عواملی را شامل می‌شود که مشخص می‌کنند چگونه تعاملات سیاسی و اقتصادی ساختارمند می‌شوند، چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شوند، و چگونه منابع اختصاص می‌یابند (نیکونسبتی ۱۳۹۰: ۱۳۶؛ Bevir 2012: 1). به‌طور کلی حکمرانی فرایندی است که به تصمیم‌گیری و به‌اجرا درآوردن تصمیمات، چگونگی کاربرد قدرت، روابط حکومت و مردم، و مدیریت این رابطه مربوط می‌شود (ابوالحسنی ۱۳۹۱: ۱۰؛ Kjaer 2008: 4).

۲.۱.۲ نهاد آموزش عالی

نهاد آموزش عالی مرجعیت اصلی را در توسعه دانش، فرهنگ، و اجتماع هر ملت در اختیار دارد. این نهاد کارکردهای مهمی دارد که آمیزه‌ای از نقش‌های علمی—آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، و ... است (مهدیه و دیگران ۱۳۹۵: ۴۶). آموزش عالی به نوعی از آموزش‌ها گفته می‌شود که برای بالا بردن سطح مهارت‌های کاربردی افراد، تأمین نیروی انسانی متخصص، توسعه میراث فرهنگی، خلق افکار تازه، و ایجاد روحیه پژوهش ارائه می‌شود (شیربگی و عبدالله‌زاده ۱۳۹۹: ۱۸۰). این آموزش‌ها در مراکز آموزش عالی ارائه می‌گردند. این مراکز به دانش‌آموختگان خود مدارک کاردانی به بالا می‌دهند (سلامی و دیگران ۱۳۹۷: ۹۳). به‌طور کلی اهداف و کارکردهای عمده نظام آموزش عالی را می‌توان در این محورها دانست: ۱. پیش‌برد مرزهای دانش و تولید دانش؛ ۲. پرورش نیروی انسانی متخصص موردنیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه؛ ۳. برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات، و تحصیلات افراد و پرورش توانایی‌های بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مداوم؛ ۴. کمک به تحقق اهداف اجتماعی با فراهم‌آوردن برابری در فرصت‌های آموزش عالی (بذرافشان مقدم و دیگران ۱۳۹۳: ۸۲)؛ ۵. اشاعه و تقویت خودآگاهی، هویت ملی، و اندیشه‌های هم‌بستگی‌ساز از طریق تولید دانش متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و هویتی (نظری و باقری ۱۳۹۰: ۴). البته اهدافی چون حل مسائل و چالش‌های کشور نیز مطالبه و توقعی است که از نهاد علم و سازمان آموزش عالی وجود دارد. همه این‌ها در کنار موضوعی است که به معنی تربیت شهروند متعهد به ساختار و سازمان جدید زندگی جمعی است. به این معنی که فلسفه شکل‌گیری دانشگاه در دوران مدرن تربیت انسان جدید است که نام شهروند بر آن اطلاق می‌شود. شهروندی که در قالب نظام ملت—دولت تعریف می‌شود و تعلقاتش به این ساختار بیش‌تر از تعلقات دیگرش موردتوجه است؛ چراکه این وضعیت جدید است و برای استمرار و تعمیق آن باید به‌نحو گسترده عمل کرد که رسالت نهاد علم و دانشگاه در ابتدا از جانب حوزه سیاست مدرن در این جهت تعریف شد.

۳.۱.۲ هویت ملی

هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی، احساسات، و اندیشه‌های مربوط به آن‌هاست. فرد این خصوصیات را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن تصویری از خود به‌دست می‌آورد و به سؤال «من کیستم؟» پاسخ می‌دهد (خدایی و

مبارکی (۱۳۸۷: ۱۲۱). در میان هویت‌های موجود در جامعه، هویت ملی عالی‌ترین و مهم‌ترین آن‌هاست (Woodward 2000). منظور از هویت ملی در نزد اعضای جامعه آگاهی و احساس تعلق‌خاطر، تعهد، و وفاداری آنان در قبال اجتماع ملی و مؤلفه‌های سازنده آن از قبیل سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، دین مشترک، فرهنگ مشترک، و ... است. «هویت ملی در این معنا به‌عنوان "آگاهی از تفاوت" و "احساس و شناسایی ما از آن‌ها" شناخته می‌شود» (احمدپور و سراج‌زاده ۱۳۹۸: ۶). به‌طور کلی هویت ملی برای تمام ملت‌های جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. این هویت هم عامل هم‌بستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میان ملل دیگر است و دوام و قوام زندگی آنان به هویت ملی بستگی دارد (صالحی امیری و دیگران ۱۳۹۳: ۱۱۲). هویت ملی نحوه تبلور تاریخی یک جامعه است. نمودی جمعی است که نشان‌دهنده توانایی بالفعل آن و مجموع خواست‌ها و اهدافی است که در طول تاریخ خود به‌دست آورده است.

۲.۲ نقش نهاد آموزش عالی در زمینه هویت ملی و الزام پیش‌روی نظام حکمرانی

عوامل مختلفی در تکوین و تقویت هویت ملی می‌توانند نقش داشته باشند که نهاد آموزش عالی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌هاست. ایجاد زمینه‌های وابستگی و تعلق به هویت ملی در اعضای جامعه از مهم‌ترین وظایف هر حکومتی است و یکی از ابزارهای مهم در این زمینه نهاد آموزش عالی است. تقویت گرایش اعضای جامعه به هویت ملی نیازمند تنظیم و تدوین برنامه‌های آموزشی هدف‌مند، منسجم، و انتقال صحیح ماهیت، مؤلفه‌ها، و ضرورت آن به دانشجویان است. بدون برخورداری از نهاد آموزش عالی هدف‌مند و استوار در معرفی هویت ملی و مبانی آن افراد جامعه دچار دو مشکل می‌شوند: یکی آسیب‌پذیری در برابر نفوذ سایر هویت‌ها و دیگری تضعیف احساس تعلق به هویت ملی. کارکرد هویتی نهاد مذکور موجب می‌شود که دانشجویان متناسب با هنجارهای حاکم بر جامعه ملی جامعه‌پذیر گردند و به آن جامعه و هویت ملی آن احساس تعلق آگاهانه پیدا کنند.

در یک سیر تاریخی و از منظر دولت-ملت‌سازی، آموزش عمومی در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در اروپای شمالی و ایالات متحد نخست به‌وسیله گروه‌های اجتماعی مسلط به‌عنوان ابزار ایجاد اجتماعات ملی متحد هم‌بسته و برخوردار از هویت ملی منسجم و به‌منزله سازوکار دولت‌سازی، آموزش وظایف دولت، ارتقای وفاداری، نظم اجتماعی بین توده‌ها، اشاعه ایدئولوژی و زبان ملی، و آشناکردن مردم با رژیم‌های نوین بوروکراتیک ظهور

یافت و سپس برای کسب مهارت‌ها و دانش موردنیاز برای انقلاب دانش‌بنیان صنعتی دوم و اکتساب دیدگاه‌های مدنی که تحت‌تأثیر گسترش حق رأی عمومی و توسعه حقوق دموکراتیک برای حفظ ثبات لازم بود مهم دانسته شد (کریمی ۱۳۹۰: ۷۹). از فردای جنگ جهانی دوم تا به امروز نیز توجه به آموزش عالی به‌مثابه ابزار مهم حکمرانی در زمینه ملت‌سازی و هویت‌سازی در نظام‌های سیاسی تداوم یافته است.

به‌طور کلی دانشگاه، درکنار رسالت علمی‌ای که برعهده دارد، به‌مثابه نهادی اجتماعی مطرح است که ازیک‌سو تحت‌تأثیر جامعه است و ازسوی دیگر بر جامعه اثر می‌گذارد. بنابراین، تجربه دانشگاه بر ساختار فکری، شخصیتی، و هویتی دانشجویان تأثیر دارد. این امر ناشی از خرده‌فرهنگی است که در این نهاد جریان دارد. مهم‌ترین ویژگی این خرده‌فرهنگ برای دانشجویان (طیبی نیا ۱۳۹۷: ۴۴)، تأثیرگذاری بر فرایند هویت‌یابی آنان است.

امروزه دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین کانون‌های خودآگاهی هویتی مبدل شده‌اند که دارای نقش‌های جدی و تأثیرگذار در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی هستند. دانش و بینشی که افراد در دانشگاه پیدا می‌کنند، عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی و ملی و نهادینه‌شدن هویت ملی در آنان است (نظری و باقری ۱۳۹۰: ۴؛ Enders 2004).

در نتیجه کارکرد این نهاد:

به تدریج احساسات، علائق، و وفاداری‌های خرد و فروملی با احساسات، علائق، و وفاداری کلان و مرتبط با واحد ملی پیوند می‌یابند و افراد ضمن آن‌که خود را فردی از اعضای خانواده، قبیله، قوم، و وابسته به محلی خاص می‌شناسند، درعین حال به جامعه ملی و ملت نیز احساس تعلق کرده و در نتیجه از هویت ملی برخوردار می‌گردند. این مسئله می‌تواند در تقویت و تحکیم هم‌بستگی و هویت ملی در کشور نقش مهمی ایفا نماید (مقصودی ۱۳۹۱ الف: ۵؛ مقصودی ۱۳۹۱ ب: ۹).

آنچه به‌عنوان تأثیر آموزش عالی در دانش‌آموختگان مطرح می‌شود، تأثیر آن در ایجاد طبقه متوسط جدید و تمهید زمینه‌های جامعه‌پذیری است. این نهاد اجتماعی به دانشجویان فرصت جامعه‌پذیری مجدد را می‌دهد و درعین حال به آن‌ها چگونگی فعالیت اجتماعی را می‌آموزد. نهاد مذکور در فرایند جامعه‌پذیری به رفتارهای اجتماعی و سیاسی طبقه متوسط جدید شکل می‌دهد. بدین ترتیب، هم‌سو با تغییرات روحی-روانی و اجتماعی و نیز با ظهور این طبقه، هویت ملی نیز در جامعه تحکیم می‌یابد (نظری و باقری ۱۳۹۰: ۱۰-۱۳). به عبارتی، نهاد آموزش عالی وظیفه سازگارکردن افراد با محیط اجتماعی و جامعه ملی را برعهده دارد و

مجموعه‌ای از عقاید و احساسات مشترک را در میان افراد شکل می‌دهد که بدون آن‌ها هیچ جامعه‌ای پایدار نخواهد ماند. درواقع، این نهاد کارکرد هم‌پسته‌سازی افراد جامعه را برعهده دارد. باتوجه به این کارکرد دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه، براساس معیارهای واحدی، آموزش می‌بینند و پس از خروج به ارزش‌های مشترکی مقید می‌شوند و به آینده و آرمان مشترکی می‌اندیشند. تحقق چنین امری در روند جامعه‌پذیری افراد به تقویت احساس هویت ملی در نزد آنان منجر می‌شود (قاسمی ۱۳۹۰).

با تمام این‌ها، در عصر حاضر، که به عصر جهانی‌شدن معروف است، نهاد آموزش عالی در جوامع مختلف در مسیر تندباد تغییر و تحولات این عصر، که ناشی از پیشرفت فناوری است، قرار گرفته است و بسیاری از کارکردهای آن ازجمله در زمینه هویت ملی دچار تحول و دگرگونی شده است (بنگرید به Henkel 2005). ازاین‌رو، این نهاد آموزشی برای محقق‌ساختن اهداف خویش در زمینه هویت ملی و کمک به تقویت آن ناچار است خود را با تغییر و تحولات عصر حاضر هماهنگ کند. در این شرایط آنچه برای نهاد مذکور، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، حائز اهمیت است، اتخاذ رویکرد و رویه‌ای متفاوت با گذشته از سوی نظام حکمرانی است. تحولات پرشتاب و گسترده امروز ایجاب می‌کند که نهاد آموزش عالی الگوهای فکری و عملی جدید و همه‌جانبه‌تری را در زمینه هویت ملی بیاموزد و آن‌ها را به‌درستی به‌کار گیرد. در عصر تأثیرپذیری هویت ملی دانشجویان از پدیده جهانی‌شدن، وجود یک رویکرد هویتی منطقی و جامع از سوی نظام حکمرانی در عرصه آموزش عالی امری ضروری است.

نظام دانشگاهی به‌عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده در محیط خود فعالیت می‌کند. لذا ازیک‌سو از جهات مختلف علمی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و ... بر محیط خود و تحولات آن اثر می‌گذارد و ازسوی دیگر خود از محیط و تحولات آن تأثیر می‌پذیرد (بنگرید به Lewellen 2010). طبیعتاً مطلوب است که این تأثیر و تأثر تا آن‌جاکه ممکن است به‌گونه‌ای از سوی سیاست‌گذاران بسترسازی و هدایت شود که بیش‌ترین بهره را در تقویت هویت ملی به ارمغان آورد. در این جهت نظام آموزش عالی باید از سوی نظام حکمرانی به‌عنوان مرکزی راه‌بردی در نظر گرفته شود که تقویت این هویت به کیفیت تولیدات آن وابسته است. بنابراین، به‌دلیل تأثیر فرایند جهانی‌شدن بر کارکرد و نقش هویتی این نهاد آموزشی، نظام حکمرانی در جوامع مختلف، به‌ویژه جوامع درحال‌توسعه، نیازمند بازنگری در رسالت این نهاد در زمینه هویت ملی است. برای حل مسائل ناشی از تحولات هویتی، نظام حکمرانی می‌بایست نهاد

دانشگاه را به مکانی برای تولید و انتقال هرچه بهتر دانش در زمینه میراث فرهنگی — هویتی جامعه ملی تبدیل کند تا این سیستم آموزشی از ظرفیت‌های مطلوبی به منظور تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی خویش برخوردار شود.

۳. ماهیت هویت ملی در ایران

درخصوص ماهیت و شکل‌گیری هویت ملی در ایران دو دیدگاه کلی وجود دارد: عده‌ای معتقدند که هویت ملی در ایران پدیده‌ای متأخر و متأثر از ظهور دولت‌های ملی در اروپای قرن هجدهم و نوزدهم است و دسته‌ای دیگر بر این باورند که به دلیل قدمت تاریخی کهن کشور ایران، می‌توان نشانه‌هایی از وجود هویت ملی را از دوره ایران باستان جست‌وجو کرد؛ دیدگاه اخیر معتقد است که مفهوم ملت، به عنوان شالوده شکل‌گیری هویت ملی، قرن‌ها قبل از دولت‌های ملی قرن نوزدهم در کشور ایران وجود داشته است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی ۱۳۹۰: ۱۱۶). از این میان، مقاله حاضر با دیدگاه دوم هم‌عقیده است و هویت ملی در ایران را هویتی کهن و تاریخی می‌داند. بر این اساس می‌توان گفت:

در میان ساکنان ایران از دوره باستان نوعی هویت ملی نزدیک به مفهوم مدرن آن یا آگاهی تاریخی، فرهنگی، و سرزمینی از ایران وجود داشته و بعد از آن دوره به دوره اسلامی انتقال یافته و با درهم‌آمیختن با باورها و ارزش‌های اسلامی به تدریج به دوره مدرن منتقل شده است (اشرف ۱۳۹۵: ۲۲۳؛ رمضان‌زاده و بهمنی قاجار ۱۳۸۷).

برخی معتقدند هویت ملی ایران سه‌لایه‌ای یا سه‌رکنی است. این دیدگاه برگرفته از سیر و فرایند تاریخ ایران است. رکن اول مربوط به ایران باستان است؛ در این دوره بن‌مایه هویت ایرانی با مشخص شدن فرهنگ و آداب و رسوم مشخص و تمایز و قرارگرفتن ایران در برابر سایر کشورها و اقوام با آیین زرتشت اندیشه حکمران عادل تشخیص یافت. رکن دوم مربوط به اسلام است که به مدت چهارده قرن به هویت ملی ایرانیان و نوع نگرش آن‌ها به جهان و رفتار و ساختار اجتماعی و سیاسی آن‌ها جهت داد. رکن سوم نیز تجدد یا «مدرنیته» است که از اوایل دوره قاجار و در نتیجه آشنایی ایرانیان با آن بر اندیشه‌های سنتی تعلق به ایران و هویت ایرانی تأثیر گذاشت و جلوه تازه‌ای به این هویت بخشید (بن‌گرید به بشیریه ۱۳۸۳ ب؛ رجایی ۱۳۸۶؛ نقیب‌زاده ۱۳۸۱).

این مقاله بر این نظر دارد که تا زمان دوران جدید و مواجهه با مدرنیته، دو لایه ایران و اسلام شکل‌دهنده به هویت ایرانی بودند. بین آن‌ها (ایرانیت و اسلامیت) هم در طول تاریخ

ارتباط عمیقی برقرار بوده است و ایرانیان آن‌ها را با یکدیگر ترکیب کردند. درواقع، وجود عناصر فرهنگی مشترک بین جامعه ایرانی و اسلامی موجب ایجاد سازگاری بین این دو رُکن و تحول در هویت مذکور شد. تعامل تاریخی و فرهنگی بین ایرانیت و اسلامیت باعث گسترش یافتن و نفوذ مبانی ارزشی، فرهنگی، و اجتماعی اسلام در ساختار جامعه و هویت ایرانی شده بود، اما با ظهور مدرنیته به‌نوعی چالش بین سنت و تجدد شکل گرفت. در یک طرف سنت تاریخی ایرانی بود و در طرف دیگر تجدد. درباره مدرنیته و نفوذ و نقش آن در هویت ملی ایران و نگرش‌های هویتی ایرانیان در طی تاریخ معاصر اساسی بحث‌ها و نظرهایی مطرح شده است، اما تا چه حد به استقرار رسیده باشد قابل بررسی است. با مراجعه به تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در این دوره می‌توان تأثیر مؤلفه‌های مدرن را بر هویت ملی ایران مشاهده کرد، اما دعوی سنت (تاریخ و دین تاریخی ایرانیان) و مدرنیته هنوز در این جامعه وجود دارد و نوعی رفتار طرف‌دارانه برای مدعیان هرکدام یا حتی استفاده از مؤلفه‌هایی ترکیبی برگرفته از هر منبع قابل مشاهده است. بنابه دلایل و شواهد تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی می‌توان گفت که بین ارکان ایرانی و اسلامی هویت ملی ایران با رُکن مدرن این هویت در برخی جنبه‌ها نوعی وام‌گیری و تداخل وجود داشته که این مسئله خود ناشی از اقتضائات جامعه متنوع ایران است. درمجموع، می‌توان گفت که این سه منبع با غلظت‌های متفاوت نقش مهمی در تعریف ایرانیان از چه‌کسی بودن خود ایفا کرده‌اند.

۴. نظام حکمرانی جمهوری اسلامی و رویکرد (سیاست) هویتی آن در عرصه آموزش عالی

پس از وقوع انقلاب اسلامی، دولت جمهوری اسلامی در ایران تأسیس شد و نظام سیاسی‌ای مبتنی بر مبانی اسلام و مذهب شیعه شکل گرفت و بر عرصه‌های مختلف جامعه ایران تأثیر گذاشت. «این حکومت با درهم آمیختن مفهوم ولایت فقیه در رأس آن چهره تازه‌ای از مفهوم حکومت و حکمرانی را در سرزمین ایران به‌نمایش درآورده است» (مجتهدزاده ۱۳۸۷: ۱۹۵). یکی از راه‌های مناسب و دقیق به‌منظور بررسی الگوی حکمرانی در هر کشور مراجعه و تمرکز بر اسناد بالادستی و معیار آن است. در ایران پس از انقلاب اسلامی دو قسم از این اسناد به‌عنوان اصلی‌ترین منابع و مراجع برای شکل‌دهی به الگو و چهارچوب حکمرانی به‌شمار می‌آیند: ۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. این اسناد نشان‌دهنده ماهیت حکمرانی در دوره جمهوری اسلامی است و مبنای

تصمیم‌گیری‌های اصلی و کلان کشور در قوای سه‌گانه و سایر قانون‌گذاری‌های خرد و موضوعی قرار دارد (قجری و نوربخش ۱۴۰۰: ۴۹).

بررسی ۱۷۷ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان‌گر مضامین اسلامی متعددی است که می‌توان گفت روح حاکم بر همه آن اصول را تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی مضامین اصلی شامل «حاکمیت خدا»، «وحی‌گرایی»، «شریعت‌گرایی»، «امامت و ولایت»، و «اخلاق اسلامی» را می‌توان به‌عنوان بسترها و چهارچوب‌های اصلی جهت تشریح قوانین و اصول در حوزه‌های مختلف برشمرد. مضامین فوق، در کلیه اصول قانون مذکور به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تصریح شده‌اند، به‌طوری‌که هیچ حیطه و قلمرویی را نمی‌توان خارج از آن‌ها تعریف کرد. این امر نشان‌دهنده تنظیم کامل قوانین و بنیادهای حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مضامین اسلامی است. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، که مسیر تکامل توسعه در دو دهه آینده کشور را ترسیم کرده بود، نیز شاهد مضامین اسلامی هستیم، به‌طوری‌که می‌توان گفت این سند بر موازین و اصول اسلامی تکیه دارد. اهمیت موضوع بیش از همه به این دلیل است که چهارچوب طراحی چهار برنامه مهم توسعه از ابتدای دهه ۱۳۸۰ ش تا ابتدای قرن پانزدهم شمسی می‌بایست مبتنی بر این سند معیار باشد. سه مضمون اصلی «هویت اسلامی»، «شریعت اسلامی»، و «حاکمیت اسلام» محوریت ویژه‌ای در سند مذکور دارند و ماهیت حکمرانی مبتنی بر اسلام را بدین صورت شکل می‌دهند (همان: ۵۳-۵۵؛ عظیمی شوشتری ۱۳۹۸).

به‌طور کلی از فردای انقلاب اسلامی و با استقرار دولت جمهوری اسلامی فصل جدیدی از مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی- هویتی، و ... در ایران آغاز شد. گفتمان انقلاب اسلامی بیش و پیش از هرچیز به ارائه یک تعریف از هویت نیاز داشت و این امر مستلزم ایجاد فضایی برای روایت هویت برآمده از دل این گفتمان بود. در این دوره، شاهد استقرار نظم هویتی جدیدی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شیعی هستیم. ارزش‌های مذکور بنیان گفتمان هویتی است که در واکنش به فرایند تضعیف بُعد اسلامی هویت ملی در عصر پهلوی پدیدار شد و هدفش آن بود تا مبانی هم‌پستگی ملی در کشور را با ارائه تعریفی اسلامی- شیعی از هویت ملی ایران بنا کند. دولت جمهوری اسلامی، از ابتدای تأسیس با تقویت و بازگشت به بُعد اسلامی هویت ملی، در پی ایجاد تحول در ساختار این هویت برآمد و در متن و بطن گفتمان خود، نظام شاهنشاهی و مدرنیته را دگر هویتی خود تعریف کرد (بشیریه ۱۳۸۳ الف: ۸۰۱؛ تاجیک ۱۳۸۴: ۱۸۷، ۱۸۸؛ سیدامامی ۱۳۹۱: ۱۸۸). این نظام سیاسی قصد داشته است تا عناصر غربی و در بسیاری از موارد عناصر و نشانه‌های مربوط به ایران باستان از نظام ارزشی و

فرهنگی جامعه زدوده شود و نظام ارزشی و فرهنگی ملهم از ارزش‌های اسلامی و شیعی جای‌گزین آن گردد. یکی از عرصه‌های مهمی که از این سیاست انقلابی نظام جمهوری اسلامی تأثیر پذیرفت، آموزش عالی است.

بعد از انقلاب اسلامی، نظام حکمرانی در عرصه آموزش عالی تغییرات عمده‌ای ایجاد کرد و به تناسب میزان وابستگی رشته‌های دانشگاهی به محافل آموزشی غرب این رشته‌ها با مخالفت شدیدی از سوی نیروهای انقلابی مواجه شدند که در این میان، میزان مخالفت با علوم انسانی بیش‌تر از بقیه بود. این نیروها بر ماهیت غربی و سکولاریستی رشته‌های دانشگاهی عصر پهلوی و ضرورت تغییر در محتوا و سنخ آموزش و نیز اسلامی‌کردن آن‌ها تأکید می‌کردند (ازغندی ۱۳۸۲: ۹۰-۹۱). شرایط به‌وجودآمده پس از انقلاب اسلامی مسئولان نظام جمهوری اسلامی را به فکر پاک‌سازی دانشگاه‌ها از نیروهای مخالف و غیراسلامی انداخت. به همین منظور سازمانی تحت عنوان «ستاد انقلاب فرهنگی» تأسیس شد که هدف اصلی آن ایجاد تحول و دگرگونی بنیادین در ساختار آموزش عالی بود. انقلابیون بر این باور بودند که ساختار دانشگاه‌های کشور و رشته‌های دانشگاهی می‌بایست با تکیه بر منابع اسلامی در معرض ارزیابی مجدد قرار گیرند و از عناصر فرهنگی غربی و ایدئولوژی شاهنشاهی پاک شوند.

نکته مهم این است که باوجود اقدامات دولت جمهوری اسلامی در عرصه آموزش عالی با هدف ترویج بُعد اسلامی هویت ملی ایران و شکل‌دهی به نگرش‌های هویتی جوانان ایرانی، امروزه گرایش بسیاری از آنان نسبت به هویت ملی خود و ارزش‌های اسلامی افزایش نیافته است؛ این مسئله ایجاد تغییر در رویکرد (سیاست) هویتی و شیوه مدیریتی دولت جمهوری اسلامی در عرصه آموزش عالی را ضروری ساخته است. در این جا استدلال این است که به دلیل ماهیت درحال تحول نهاد آموزش عالی ایران و بروز تحولاتی در نگرش‌های هویتی دانشجویان، که ناشی از تأثیرپذیری از فرایند جهانی‌شدن است، پیچیدگی این نهاد آموزشی افزایش یافته و این وضعیت، اتخاذ رویکرد هویتی و شیوه مدیریتی متفاوت با گذشته و متناسب با شرایط جدید را در عرصه آموزش عالی ضروری ساخته است. در ادامه مقاله، به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۵. جهانی‌شدن (فضای مجازی) و بروز تحولات هویتی در جامعه دانشجویی ایران

«جهانی‌شدن» فرایندی است که از نیمه قرن بیستم به بعد دنیا را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی دچار تغییر و تحول ساخته است، به‌طوری‌که در نتیجه شکل‌گیری و

گسترش آن، مناطق، کشورها، و افراد مختلف وابستگی بیش‌تری به یک‌دیگر پیدا کرده‌اند و هرگونه تغییر و تحولی در گوشه‌ای از جهان مناطق، کشورها، و افراد دیگر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (بنگرید به گیدنز ۱۳۷۷؛ واترز ۱۳۷۹). این فرایند از طریق ابزارهای مختلفی توانسته است بر عرصه‌های مختلف جوامع از جمله هویت ملی اثر بگذارد و فضای مجازی از مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود. این تأثیرگذاری به‌گونه‌ای است که در نتیجه این فرایند مرزهای نفوذناپذیر بین مقولات و گروه‌های هویتی به‌شدت آسیب‌پذیر و شکننده شده‌اند و فضای انحصاری هویت‌سازی، که در اختیار حکومت‌ها بود، از بین رفت. در چنین شرایطی افراد جامعه در جریان شکل‌دادن به هویتشان با ارزش‌های متنوعی روبه‌رو شده‌اند، به‌طوری‌که منابع جدید و فراملی را جذاب‌تر از منابع سنتی جامعه خویش می‌یابند و از این‌رو در تصویر هویتی خویش دچار تردید می‌شوند. این مسئله به‌طور کلی بسیاری از جوامع را با مشکل بحران هویت ملی مواجه ساخته است.

نکته اساسی از منظر مقاله حاضر به‌عنوان مفروض این است که فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی بر هویت ملی در ایران تأثیر گذاشته‌اند، به‌طوری‌که می‌توان گفت جامعه و هویت ملی ایران در حال تجربه‌کردن نوعی «گذار» است که دارای ویژگی‌های خاص خود است و پی‌آمدهای متعددی را به‌دنبال داشته است. در نتیجه این وضعیت، بسیاری از اعضای جامعه ایران در معرض پرسش‌های اساسی در زمینه هویت ملی خود قرار گرفته‌اند و نگرش‌های آنان به مبانی هویت ملی ایران دچار چالش شده است. رشد و گسترش جهانی‌شدن در ایران موجب از بین رفتن بسیاری از محدودیت‌های زمانی و مکانی و تغییر شدید شیوه‌های زندگی و پیدایش سبک‌های زندگی جدید، تکثر نمادها، تغییر ذائقه‌ها، و رشد توقعات و انتظارات شده است. فرایند مذکور برای ایرانیان فرصت تجربه واقعیت‌های دوردست یا غیرقابل‌دست‌رس را به‌ارمغان آورده که همین موضوع جهت‌گیری‌های متفاوتی را در قبال هویت ملی‌شان در مقایسه با گذشته موجب شده است، به‌طوری‌که می‌توان گفت دل‌بستگی بسیاری از آنان به مبانی قدیمی‌تر هویت ملی، یعنی ایرانیت و اسلامیت، موردچالش قرار گرفته است. نکته مهم در این‌جا این است که در حال حاضر درصد قابل‌توجهی از کاربران فضای مجازی در ایران قشر جوان هستند که از این میان، بخش قابل‌توجهی از آنان را دانشجویان تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی تعداد کاربران حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای فضای مجازی در بین دانشجویان به‌اقتضای موقعیت آن‌ها و دسترسی بیش‌تر به امکانات مربوط در محیط‌های دانشگاهی به‌مراتب بیش‌تر از گروه‌های دیگر است. از آن‌جاکه دانشجویان در مقایسه با دیگر گروه‌ها روابط اجتماعی گسترده‌تری دارند و هم‌چنین با مظاهر و وسایل تجدد و نوسازی، فرایند جهانی‌شدن، و

اندیشه‌ها و هویت‌های جدید آشنایی و برخورد بیش‌تری می‌یابند، بیش از دیگر قشرهای جامعه در معرض تغییرات هویتی قرار می‌گیرند (بنگرید به بابایی فرد ۱۳۹۲؛ دانایی و بابایی سارویی ۱۳۹۶؛ ساعی و دیگران ۱۳۹۴؛ صالحی امیری و دیگران ۱۳۹۳؛ مسعودنیا و دیگران ۱۳۹۵؛ میرمحمدی ۱۳۹۴؛ عدلی‌پور و دیگران ۱۳۹۲؛ کریمیان و احمدوند ۱۳۹۱؛ کیان و قلی‌پور ۱۳۹۵).

در مجموع، می‌توان گفت که تحولات جدید در نظام آموزش عالی کشور کارکرد و معنای ارزش‌ها و هویت اجتماعات دانشگاهی را تغییر داده و هویت متناسب با خود را شکل داده است. در نتیجه بروز تغییرات در عرصه دانشگاه، درحالی که منابع سنتی و درونی هویت‌یابی هم‌چون نهادهای رسمی آموزشی، محیط آموزشی، و ... توان خود را برای شناساندن دانشجویان به خودشان و تعریف آن‌ها در نظام اجتماعی از دست داده‌اند، منابع جدیدی سر برآورده‌اند که ظرفیت چشم‌گیری برای هویت‌سازی دارند. این مجاری جدید که می‌توان آن‌ها را منابع بیرونی هویت نامید، از خارج از دانشگاه الگوهای جدیدی را پیش‌روی آن قرار داده و به دلیل ماهیت کثرت‌گرایانه و انعطاف‌پذیر خود، منابع سنتی را به‌چالش کشیده است. در نتیجه، نظام فرهنگی همگون و متجانس پیشین و فرایند هویت‌یابی متأثر از آن را متحول کرده است. اگر دانشجوی ایرانی در گذشته بیش‌تر در محیط دانشگاه هویت خود را شکل می‌داد، امروزه این فرایند به خارج از مرزهای دانشگاه کشیده شده و عضویت دانشجو در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی محیط گسترده‌تر، امکانات بیش‌تر، و منابع متعدد بیش‌تری را در اختیار او قرار داده است. به دلیل این تعدد و تنوع است که هویت‌های متعدد شکل می‌گیرند. البته این موضوع به معنای حذف منابع سنتی نیست، بلکه به معنای نقش و تأثیر پررنگ‌تر الگوهای هویت‌یابی جدید نسبت به الگوی رسمی و سنتی هویت‌یابی در نظام دانشگاهی ایران است (بنگرید به همتی و اصلانی ۱۳۹۴).

بسیاری از دانشجویان امروز ایران، در نتیجه بهره‌گیری از فضای مجازی در مقایسه با دانشجویان نسل‌های گذشته، حامل جهت‌گیری‌های متفاوتی در قبال هویت ملی ایران گشته‌اند، به‌طوری که دل‌بستگی‌شان به هویت مذکور و ارکان قدیمی آن به اندازه دل‌بستگی نسل‌های قبلی نیست. این دانشجویان جدید

در نتیجه استفاده از فضای مجازی به تعریف جدیدی از هویت دست یافته‌اند. آنان به [هنجارها و ارزش‌های مدرن و نوظهور] تمایل پیدا کرده‌اند که با بسیاری از هنجارها و ارزش‌های جافاده‌تر و رسمی جامعه ایران فاصله دارد. این گروه وجوه تمایز خود را در

کنش، ذاتقه، و سبک زندگی متفاوت خود متجلی می‌سازند و به‌نحوی تعلقات فرهنگی خاصی برای خویش قائل‌اند. در بین آن‌ها نوعی هم‌سانی در الگوهای رفتاری دیده می‌شود (عدلی‌پور و دیگران ۱۳۹۳: ۱۲۴).

این هم‌سانی در الگوی رفتاری آن‌ها در گرایششان به هویت و ارزش‌های فراملی نمایان است. بنابراین، میان استفاده از فضای مجازی و شکل‌گیری و تقویت ابعاد هویت دانشجویان ایرانی رابطه وجود دارد؛ زیرا بسیاری از فعالیت‌های روزمره آنان در متن این فضا دنبال می‌شود. این فعالیت‌ها به‌صورت مصارف متعددی است که دانشجویان از رسانه‌های مجازی دارند. درحقیقت، چگونگی استفاده از این رسانه‌ها در تجربه آموزشی و دانشگاهی، تجربه استفاده از آن‌ها در گذران اوقات فراغت، و برای آگاهی از مسائل فرهنگی، اجتماعی، و ... ازجمله مواردی‌اند که به‌نحوه حضور رسانه‌های فضای مجازی در زندگی روزمره دانشجویی مربوط می‌شود (بابایی‌فرد و شرقی ۱۳۹۳: ۳۰). دانشجویان ایرانی از رسانه‌های مجازی به‌انحای مختلف از قبیل سرگرمی و تفریح و پرکردن اوقات فراغت، دستیابی به منابع اطلاعات و یافته‌های علمی و پژوهشی موردنیاز، یا نشر آثار علمی خود برای کسب خبر از مسائل و روی‌دادهای اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی، و نهایتاً برای برقراری ارتباط دوستانه و بین‌شخصی یا در شکل گسترده‌تر، شرکت در گروه‌های خبری، و نیز گروه‌های بحث الکترونیک استفاده می‌کنند. قرارگرفتن این گروه در برابر رسانه‌های مجازی با سیل عظیمی از اطلاعات و برنامه‌های متنوع از سراسر جهان باعث می‌شود آنان با هویت‌های جدیدی روبه‌رو شوند که با هویت خودشان متفاوت است یا این‌که تنها بر یکی از ابعاد هویت ملی ایران، یعنی بُعد مدرن، تأکید دارد. لذا در نتیجه این امر می‌توان شاهد تغییرات هویتی نظیر رویه، رفتار، طرز تفکر، و منش زندگی دانشجویان بود (مسعودنیا و دیگران ۱۳۹۵).

نکته مهم دیگر این است که بسیاری از دانشجویان قومی ایران نیز با بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی درصدد تقویت هویت قومی‌شان برآمده‌اند. در جامعه ایران، به‌دلیل بافت چندفرهنگی و متنوع آن، تنوع و تکثر فرهنگی در مراکز دانشگاهی به‌خوبی تجلی یافته است. در چنین فضایی با دانشجویانی مواجهیم که، علاوه بر اشتراکات فرهنگی، هریک از ویژگی‌های زبانی، محلی، و فرهنگی خاص خود نیز برخوردارند و در وهله اول در اجتماعات محلی و قومی و خرده‌فرهنگ‌های مختلف جامعه‌پذیر می‌شوند و با ورود به دانشگاه و استفاده از فضای مجازی در فرایند جامعه‌پذیری ثانویه قرار می‌گیرند. با ورود افرادی از اقوام مختلف ایرانی به دانشگاه و مهیاشدن بسترها و موقعیت‌های تجربه حضور در فضای مجازی، با

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۰۱

در دسترس قرار دادن دیگری‌های متنوع و متعدد دور و نزدیک و فراهم کردن امکان تعامل مجازی و واقعی با آن‌ها، برای دانشجویان قومی امکان شناخت بهتر خود و دیگران و ارتباط با دیگران مشابه فراهم می‌شود. تأثیرپذیری بخش قابل توجهی از جامعه دانشجویی قومی کشور از فضای مجازی زمینه‌ساز تقویت هویت قومی این طیف شد تا جایی که در مواردی توانسته است هویت ملی آنان را نیز تضعیف کند. این گروه از دانشجویان توانستند از طریق فضای مجازی هم‌نوعان و هواداران خود را در اقصی نقاط جهان پیدا کنند و ذیل هویت قومی‌شان متشکل شوند و ارزش‌های هویتی قومی خود را به‌ضرر هویت ملی‌شان در حد وسیعی انتشار دهند. در حال حاضر، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی دانشجویان قومی کشور حول فعالیت در سایت‌ها، وبلاگ‌ها، و نشریات دانشجویی‌ای که در فضای مجازی نمایان می‌شوند تمرکز یافته است. آهنگ، محتوا، و مضامین این محافل دانشجویی در لایه‌های آشکار و پنهان خود تاحدودی توانسته است جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی، و کنشی و سطوح تعلقات جمعی دانشجویان قومی را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را بازنمایی کند. به‌طور کلی از میان مطالبی که در نشریات دانشجویی قومی فعال در فضای مجازی (نظیر *هاوارد*، *وطن‌یولی*، *ایرنجی باخیشی*، *ایشیق*، *ایرنجی*، *دان‌الدوز*، و ...) به موضوع هویت ملی و قومی پرداخته شده است، مضامین و مطالب مرتبط با نشانگان هویت قومی بیش‌تر از نشانگان مربوط به هویت ملی بازنمایی شده است، به‌طوری‌که نشانگان هویت قومی بیش‌تر از نشانگان هویت ملی در آن‌ها انعکاس یافته است (بنگرید به بروجرودی علوی و صدیق یزدچی ۱۳۹۶؛ حسنی فر و عباسزاده مرزبالی ۱۴۰۰؛ طالبی و عیوضی ۱۳۹۲؛ قادرزاده و احمدپور ۱۳۹۰).

به‌باور این مقاله، وضعیت فوق اتخاذ سیاست هویتی مناسب و شیوه مدیریتی کارآمد از سوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی را در عرصه آموزش عالی به‌منظور تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی ضروری ساخته است. در ادامه، راه‌کارهایی به این منظور ارائه می‌شود.

۶. راه‌کارهای پیش‌روی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در عرصه آموزش عالی برای تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی

یکی از راه‌های تقویت هویت ملی در ایران سیاست‌گذاری مناسب در عرصه آموزش عالی و تربیت صحیح دانشجویان از مجرای توجه به نسل‌های چهارگانه دانشگاه است. با توجه به این‌که نگرش هویتی بخش قابل توجهی از جامعه دانشجویی ایران از فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی تأثیر می‌پذیرد، بنابراین لازم است در رویکرد و شیوه مدیریت و اداره نظام دانشگاهی

کشور تغییراتی صورت گیرد تا بدین وسیله احساس تعلق به هویت ملی در این قشر، که ضعیف شده است، تقویت شود و در نهایت به ابعاد هویت ملی کشور آسیبی وارد نشود. جمهوری اسلامی ایران با از بین بردن نقاط ضعف، تکیه بر ذخایر دانشی و انسانی، و سیاست‌گذاری آموزشی و هویتی مناسب و کارآمد در حوزه آموزش عالی می‌تواند به تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی و جلوگیری از بروز بحران هویت ملی در نزد آنان کمک کند. اتخاذ سیاست‌های مناسب در این عرصه می‌تواند اعتماد به نفس لازم را برای مقابله با چالش‌های هویتی فزونی بخشد و بدین وسیله توان و ظرفیت نظام حکمرانی را برای صیانت از هویت ملی کشور ایران افزایش دهد. در همین ارتباط، برخی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند در عرصه آموزش عالی از سوی نظام جمهوری اسلامی انجام گیرد به شرح ذیل است:

۱.۶ برنامه‌ریزی جهت شناخت بهتر دانشجویان از هویت ملی ایران (شناختی فراتر از بحث میراث)

باید اذعان کرد که نسل جوان امروز شناخت مناسبی از فرهنگ و تاریخ ایران، که از طریق متون کهن و افراد برجسته تاریخی و بزرگان علم و فرهنگ و هنر قابل دریافت است، ندارند. فرهنگ و تاریخ این سرزمین هم مبنای مهمی برای هویت ملی است. آنچه در ارتباط با تاریخ و فرهنگ این سرزمین برجسته است تبلور میراثی دارد؛ میراثی که نسبت به کم‌وکیف آن اطلاعات مناسب و کاربردی وجود ندارد. لذا بر نهاد آموزش عالی است که در جهت شناسایی میراث ایرانی و بالفعل کردن آن برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشد. ملاحظات آنکه در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی این نهاد مورد توجه قرار می‌گیرد، بیش از هر چیز باید بر بازشناسی صحیح هویت ملی ایران و عناصر آن باشد (بنگرید به کریمیان و احمدوند ۱۳۹۱). باید توجه ویژه‌ای به دروس عمومی و کتب تاریخی در سطوح مختلف به منظور آشنایی دانشجویان با سیر تکوین و تحول هویت ملی ایران در طول تاریخ صورت گیرد. محتوای دروس عمومی آموزش عالی ایران نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌ها و دانش‌های برقراری روابط بین فردی و گروهی، شیوه‌های ایجاد شبکه‌های پایدار، و آگاهی از ارکان هویت ملی ایران، که سهم به‌سزایی در خلق سرمایه اجتماعی خواهند داشت، در این متون مفقود است. بنابراین، لازم است در کتب عمومی و تاریخی، ارکان و مبانی هویت ملی ایران در کنار هم و باهم تشریح و تبیین شوند (سیف‌اللهی و دیگران ۱۳۹۳: ۱۳۶). در واقع در شرایط کنونی و با توجه به تحولات هویتی در نظام دانشگاهی ایران، اتخاذ رویکرد فراگیر نسبت به هویت ملی ایران از سوی نظام حکمرانی در عرصه

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۰۳

آموزش عالی امری ضروری بوده و لازم است جایگاه هریک از ارکان ایرانیت، اسلامیت، و مدرنیت در هویت مذکور به طور منطقی مشخص گردد و این از طریق دیالکتیک (تز، آنتی تز، و سنتز) و بحث و گفت و گوی علمی حاصل می شود. شایان ذکر است دیدگاه گزینشی به هویت ملی ایران، به دلیل این که به بسترها و فرایندهای تاریخی شکل گیری این هویت بی توجه است، نمی تواند راه حل مناسبی برای تقویت هویت ملی باشد و در نهایت موجب سردرگمی و بحران هویت ملی در نزد دانشجویان خواهد شد. تغییر در سرفصل ها و معرفی منابع مناسب و پرورش استادان باسواد در کنار برنامه های جنبی چون تقویت انجمن ها و مجلات و نشریات علمی دانشجویی با موضوع هویت ملی، برگزاری تورهای ایران گردی، برگزاری سمینارهای علمی، و ایجاد زمینه تبادل با هویت های دیگر با موضوع هویت ملی می تواند به فهم تاریخ و فرهنگ ملی جامعه کمک کند.

۲.۶ جلوگیری از فرایند بومی شدن دانشگاه ها

سیاست بومی گزینی به معنای استقرار غیرطبیعی نیروهای انسانی در منطقه خود یا دربند کردن مردم در زادگاه خویش است (خندق و کوثری ۱۳۹۰: ۸۱). منتقدان بومی گزینی معتقدند این طرح بی آمدهایی چون نابرابری آموزشی و ناتوانی در تأمین امکانات رفاهی برای دانشجویان، رشد پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ، جدایی و انفکاک فرهنگ های مختلف از یک دیگر، کاهش تعاملات فرهنگی و اجتماعی ایرانیان، تضعیف روحیه هم بستگی ملی، و ... را به دنبال دارد و در بلندمدت موجب تضعیف احساس تعلق به هویت ملی می شود. پذیرش دانشجویان در دانشگاه ها به شیوه بومی گزینی و ممانعت از حضور دانشجویان از سایر مناطق و خرده فرهنگ ها در کنار یک دیگر با ایجاد هم بستگی ملی و تقویت هویت ملی مغایرت دارد و موجب تقویت قوم گرایی در مناطق مختلف ایران خواهد شد (بذرافشان مقدم و دیگران ۱۳۹۳: ۸۸). سیاست بومی گزینی موجب انسجام فرهنگ و رسوم بومی (به معنای ایزوله شدن) و دورافتادگی آن از دیگر مناطق شده و به تدریج باعث تضعیف بنیادهای فرهنگ ملی خواهد شد. این سیاست هم چنین باعث تقویت زمینه های هم گرایی مناطق قوم نشین با ملت های آن سوی مرز مشترک خواهد شد (خندق و کوثری ۱۳۹۷: ۸۱)، در حالی که توزیع ملی دانشجویان از طریق گسترش جذب دانشجویان غیربومی در تمامی مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور می تواند در آشناسدن دانشجویان با سایر هم وطنان خود و علاقه مندی به سایر نقاط کشور و از این طریق با میراث ملی ایران مؤثر واقع شود و از بروز کنش های واگرایانه از سوی دانشجویان

قومی جلوگیری کند. یکی از راه‌های مهم برای پرهیز از بومی‌شدن دانشگاه‌ها درباره جذب دانشجو جلوگیری از رشد نهادهای آموزش عالی در کشور است. به‌طور کلی گسترش بی‌رویه مؤسسات دولتی و خصوصی آموزش عالی به شهرها، شهرستان‌ها، و بخش‌های کشور می‌تواند از ادغام اجتماعی و ملی جلوگیری کند و زمینه‌های رشد احساسات و تعلقات محلی و قومی را به‌ضرر احساس ملی افزایش دهد (احمدی ۱۳۹۰). به‌عنوان راه‌حل جای‌گزین در شرایط کنونی می‌توان به این راه‌کار نیز اشاره کرد که بومی‌گزینی دانشگاه‌ها می‌تواند در اشکال محدودتر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، همانند دانشگاه‌های پیام نور و غیرانتفاعی، با متقاضیان کم‌تر اجرایی شود (خندق و کوثری ۱۳۹۰: ۸۳). درمجموع شیوه جذب غیربومی و ترکیبی دانشجو در جهت تقویت ارتباطات بین قومی و تسهیل فرایند ادغام اجتماعی است و به تقویت گرایش اعضای گروه‌های قومی به هویت ملی خود مدد می‌رساند.

۳.۶ توجه به اقوام و تنوع قومی در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی

یکی از مسائل آموزش عالی در ایران نبود الگو و سیاست روشن درباره موضوع اقوام با محوریت زبان، گویش، دین، فرهنگ، و قومیت است، درحالی‌که دانشگاه محیطی علمی-فرهنگی با تنوع سلیقه و گرایش‌های سیاسی، اجتماعی، و هویتی محسوب می‌شود و ضروری است تمام این مسائل براساس الگویی مناسب مدیریت شود. باتوجه‌به شرایط داخلی، منطقه‌ای، و بین‌المللی ایران، سیاست‌گذاری در آموزش عالی باید علیه شکاف‌های قومی در کشور باشد و تمامی اقوام ایرانی و نقش آن‌ها در تکوین هویت ملی ایران به‌رسمیت شناخته شوند و معرفی گردند. بی‌توجهی به واقعیت هویت‌های کوچک‌تر و خرده‌فرهنگ‌ها، کثرت‌گرایی فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی، نبود زمینه‌های مناسب در برنامه‌های درسی برای آشنایی نسل جوان با خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها، و ... مشکلاتی را در جامعه دانشگاهی ایجاد کرده است. این مسائل ضرورت سیاست‌گذاری در آموزش عالی در زمینه موضوع قومیت را تقویت می‌کند (بلالی و محبی ۱۳۹۷: ۵۵۴-۵۵۵، ۵۷۳). باتوجه‌به این‌که خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلفی در سطح کشور وجود دارند و این‌که هویت ملی و انسجام ملی با کنارهم قراردادن آن‌ها معنا پیدا می‌کند (بذرافشان مقدم و دیگران ۱۳۹۳: ۱۱۰)، بنابراین برای احیای رسالت دانشگاه در این بافت چندقومی تدوین منشور فعالیت فرهنگی در دانشگاه‌ها با هدف وحدت در کثرت یا تقویت هم‌گرایی و تعهد ملی با حفظ تنوعات ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌آید (قادرزاده ۱۳۹۱: ۲۴۶). به‌طور کلی، با رشد و افزایش کمی آموزش عالی در ایران، زمینه‌های مناسبی برای

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۰۵

مفاهمه بین فرهنگی شکل گرفته است که سیاست‌گذاران باید از این امر به‌عنوان یک فرصت برای تحکیم مبانی هم‌بستگی ملی استفاده کنند (نظری و باقری ۱۳۹۰: ۲۶). انعکاس مطالبات قومی و برجسته‌شدن هویت قومی در نزد دانشجویان قومی نباید تهدید قلمداد شود؛ چراکه طرح این‌گونه مسائل در محیط دانشگاه مجالی برای آشنایی با مسائل و مشکلات اقوام فراهم کرده و به افزایش قدرت تشخیص حاکمیت برای مواجهه منطقی با آن‌ها کمک می‌کند و از زیرزمینی و رادیکالیزه‌شدن خواسته‌های این دانشجویان جلوگیری می‌کند. این موضوع به‌سهم خود تقویت هویت ملی در نزد این دانشجویان را در پی خواهد داشت (قادرزاده ۱۳۹۱: ۲۴۵).

۴.۶ مواجهه منطقی با فضای مجازی و بهره‌گیری از امکانات آن

اکثر سیاست‌گذاران ایران به فضای مجازی رویکردی سلبی دارند و به نیازهای ارتباطی مخاطبان در پیوستن به این فضا توجه چندانی ندارند. نکته این‌جاست که استمرار این رویکرد زمینه را برای تأثیرپذیری هرچه بیش‌تر دانشجویان ایرانی از فضای مجازی فراهم می‌کند. بر این اساس لازم است دولت جمهوری اسلامی فضای مجازی را هم‌چون فرصتی در نظر بگیرد تا به‌وسیله آن بتواند گرایش کاربران داخلی را به موضوعات مهمی چون هویت ملی تقویت کند. دستیابی به این امر منوط به آن است که نظام حکمرانی، به‌عنوان نهاد متولی امر سیاست‌گذاری در آموزش عالی، با توجه به مقتضیات و امکانات فضای مجازی با نگاهی واقع‌بینانه و علمی به تدوین سیاست‌های مناسب در این عرصه بپردازد. باید به این نکته مهم توجه داشت که فرایند جهانی‌شدن و فضای مجازی در کنار چالش‌هایی که ایجاد می‌کنند، فرصت‌هایی نیز می‌آفرینند که در صورت شناخت صحیح از این پدیده‌ها می‌توان از فرصت‌ها و امکانات آن‌ها بهره برد و بر چالش‌ها غلبه کرد. به‌طور کلی درمورد فضای مجازی نباید نگاهی صرفاً تهدیدآمیز داشت، بلکه اگر دولت جمهوری اسلامی شرایط و توانایی بهره‌گیری مناسب از امکانات این عرصه را داشته باشد، در آن صورت فضای مجازی می‌تواند به فرصت تبدیل شود، به‌طوری‌که از طریق آن می‌توان به صیانت از هویت ملی دانشجویان در برابر چالش‌ها و ترویج مبانی این هویت پرداخت. درواقع، وجود سرمایه کم‌نظیر در گنجینه هویت ملی ایران پشتوانه محکمی برای نظام حکمرانی ایران است تا بتواند به بهترین وجه از امکانات فضای مجازی برای معرفی هرچه بهتر این هویت و تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی خود سود ببرد. به‌جای برخورد قهرآمیز با محتویات و الگوهای هویتی مدرن و قومیتی موجود در فضای مجازی، باید تعریف مشخصی از مرز دست‌رسی و استفاده در عرصه فضای مجازی

به صورت آگاهانه ارائه کرد. به نظر می‌رسد آموزش و افزایش سواد رسانه‌ای مناسب و علمی در سطح دانشجویان و مراقبت متناسب با فهم جایگاه فضای مجازی بر این فضا می‌تواند یکی از پیش‌نهادهای اساسی برای سیاست‌گذاران این حوزه باشد تا بتوان با استفاده از امکانات این عرصه شرایط تقویت و افزایش تعلق‌خاطر دانشجویان به هویت ملی را فراهم کرد. سواد رسانه‌ای به این کاربران این توانایی را می‌دهد که به کنش‌گران فعال و آگاه تبدیل شوند و هر پیامی که از جانب این رسانه‌ها به آن‌ها می‌رسد، به صورت درست بپذیرند. در این صورت، آنان می‌توانند مهارت‌های لازم را برای زیستن مطلوب و گزینش عقلانی در دنیای پیچیده کنونی کسب کنند و با خودآگاهی و میل به ارتباط با جامعه ملی دست یابند.

۵.۶ توجه بیش‌تر به علوم انسانی و مرتبط کردن آن با جامعه از طریق اهمیت دادن به پژوهش، کارآفرینی، و جامعه‌محور کردن دانشگاه

توجه بیش‌تر و بهتر دولت به «علوم انسانی» می‌تواند نقش مؤثری در تقویت و استحکام هویت ملی در کشور داشته باشد. به طور کلی هنگام بررسی وضعیت کنونی علوم انسانی در ایران با نارسایی‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شویم که از رشد این حوزه علمی و تأثیرگذاری مطلوب آن در زمینه هویت ملی جلوگیری به عمل می‌آورد. این درحالی است که باتوجه به تحولات هویتی صورت گرفته در ایران و به منظور تقویت هویت ملی ناگزیر از تقویت علوم انسانی هستیم. تقویتی که به معنای فهم مناسب آن و دادن جایگاه واقعی و عینی جهت بهره‌برداری از این علم است. آموزش علوم انسانی در ایران برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی هویت ملی ناگزیر است کارکردهای تازه‌ای را متناسب با روح زمانه و چالش‌های هویتی عصر جهانی شدن برای خویش برگزیند و این مسئله مستلزم اتخاذ نگرشی نو به ابعاد و محورهای گوناگونی چون تعاریف، اهداف، ساختار، محتوا، منابع انسانی، و ابزار و تکنیک‌های نوین آموزشی و پژوهشی در این حوزه است. فرایند جهانی شدن و تحولات تکنولوژیکی و فرهنگی ناشی از آن بر علوم انسانی (مانند سایر رشته‌های علمی دانشگاهی) تأثیر گذاشته و آن را مجبور به انجام اصلاحاتی در درون خود کرده است. به طور کلی این شرایط انجام مطالعات و پژوهش‌های بیش‌تر و علمی‌تر درباره هویت ملی ایران و وضعیت آن در عصر جهانی شدن را ضروری ساخته است. از این رو، نخبگان دانشگاهی و فکری علوم انسانی باید اقدامات هدفمند و برنامه‌ریزی شده‌ای را در جهت اندیشه‌ورزی و انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی و اجرایی در این زمینه صورت دهند و به ارائه راه‌کارهای منطقی و قابل اجرا بپردازند. آنان این وظیفه علمی را برعهده دارند که

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۰۷

در جهت تقویت هویت ملی دانشجویان به عنوان یکی از نیازهای ملی جامعه خدمت کنند و به تولید دانش و آگاهی درباره هویت ملی ایران و ارائه تحلیل‌های مستقل از نهادهای حکومتی بپردازند. به‌میزانی که چنین فضایی در نهادهای دانشگاهی کشور فراهم شود، می‌توان انتظار داشت موضوع هویت ملی جایگاه بهتری در این عرصه کسب کند که خود این موضوع به تقویت تعلق خاطر دانشجویان به آن کمک خواهد کرد. علاوه بر این، افزایش نیافتن بودجه‌های لازم برای انجام پژوهش‌های مربوط به هویت ملی و فقدان نظارت صحیح و کارشناسانه بر فعالیت‌های علمی در این زمینه موجب می‌شود تا اولاً بودجه‌های پژوهشی حیف و میل شوند و ثانیاً پژوهش‌های انجام‌شده سطح علمی و کاربردی پایینی داشته باشند و به موضوعات غیرعلمی، فرعی، و غیرسودمند اختصاص یابند و در نتیجه سودمندی‌ای در جهت کمک به تقویت هویت ملی نداشته باشند.

۷. نتیجه‌گیری

هویت ملی یکی از عرصه‌های مهمی است که حکومت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌ها و به‌کارگیری روش‌هایی به‌نحو مناسب آن را در حوزه حکمرانی مدیریت کند. اهمیت هویت ملی به دلیل نقش آن در ایجاد وحدت و هم‌بستگی ملی در کشور و کمک به دستیابی جامعه به امنیت، ثبات، و پیشرفت است و این موضوع حکومت را به توجه جدی به این حوزه راهبردی ملزم کرده است و از این رو باید سعی کند تا با اتخاذ راه‌بردها و به‌کارگیری روش‌هایی، به تقویت گرایش اعضای جامعه به هویت ملی خود و در نتیجه تحکیم هم‌بستگی و هویت ملی در کشور بپردازد. با توجه به این که دوام و بقای هر پدیده اجتماعی و فرهنگی به عوامل مهمی چون نوع سیاست‌های حکومت و شیوه حکمرانی وابسته است، بنابراین استمرار، پویایی، و بقای هویت ملی یک جامعه نیز با عوامل مذکور ارتباط اساسی دارد و از این رو، عدم اتخاذ روش‌ها و راهبردهای مناسب در عرصه حکمرانی در زمینه موضوع هویت ملی می‌تواند موجبات تضعیف هم‌بستگی و هویت ملی در کشور را فراهم کند و آن کشور را از دستیابی به ثبات و پیشرفت دور کند.

نکته مهم در این جا این است که یکی از سازوکارهای مهم حکومت برای تکوین و تقویت هویت ملی و ایجاد زمینه‌های تعلق به آن در نزد اعضای جامعه نهاد آموزش عالی است. نظام آموزش با ارائه نقشی بی‌بدیل در تعلیم و تربیت و انتقال مفاهیم مرتبط با هویت ملی می‌تواند زمینه‌های تقویت و تحکیم ارکان فرهنگی و هویتی را فراهم آورد، به‌طوری که در نتیجه کارکرد

نهاد آموزش عالی به تدریج احساسات، علائق، و وفاداری‌های خرد و فروملی با احساسات، علائق، و وفاداری کلان و مرتبط با واحد ملی پیوند یابد و افراد خود را متعلق به ملت احساس بدانند و در نتیجه از هویت ملی برخوردار گردند. این مسئله می‌تواند در تقویت و تحکیم هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در کشور نقش ایفا کند. نکته این‌جاست که این نهاد آموزشی برای محقق‌ساختن اهداف خویش در زمینه هویت ملی و کمک به تقویت آن در عصر حاضر، موسوم به عصر جهانی‌شدن، ناچار است خود را با تغییر و تحولات این عصر هماهنگ کند و به‌نوعی بر چالش‌های آن فائق آید. از این‌رو آنچه برای نهاد مذکور حائز اهمیت است، اتخاذ رویه و رویکردی متناسب با شرایط جدید از سوی نظام حکمرانی است.

باتوجه به این، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر ناگزیر از بهره‌گیری مطلوب‌تر از نهاد آموزش عالی، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم حکمرانی خود، به‌منظور تربیت و آموزش دانشجویان در جهت تقویت گرایش آنان به هویت ملی خود و در نتیجه تحکیم هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در کشور است. در کشور ایران باتوجه به اوضاع و ویژگی‌های جمعیتی امر آموزش اهمیت زیادی دارد؛ زیرا بخش عمده‌ای از جمعیت کشور جوان هستند و دانشگاه در شکل‌گیری هویت این گروه سنی تأثیر به‌سزایی دارد. بنابراین، باتوجه به نقش اساسی این نهاد آموزشی در زمینه هویت ملی، دولت جمهوری اسلامی باید در این عرصه تمهیداتی متفاوت با گذشته اتخاذ کند تا در نتیجه آن افرادی پرورش یابند که توجه به هویت ملی ایرانی را در هویت‌جویی لازم و حیاتی انگارند.

نکته اساسی در این‌جا این است که در صورت عدم اتخاذ سیاست هویتی مناسب و شیوه مدیریتی کارآمد در جهت تقویت آگاهی از سوی نظام حکمرانی ایران در عرصه آموزش عالی می‌تواند موجبات بروز بحران هویت ملی و تضعیف هم‌بستگی و انسجام اجتماعی در کشور را فراهم کند. در واقع، یکی از راه‌های تقویت هویت ملی در ایران سیاست‌گذاری مناسب در عرصه آموزش عالی با هدف افزایش و تعمیق آگاهی دانشجویان است. از این‌رو، دولت جمهوری اسلامی باید تلاش کند تا با ایجاد تغییراتی در رویکرد هویتی و شیوه مدیریت نظام آموزش دانشگاهی کشور، احساس تعلق دانشجویان به کشور و هویت ملی را تقویت کند و از بروز بحران هویت ملی و واردشدن آسیب به هویت ملی کشور جلوگیری کند. بر این اساس، دولت جمهوری اسلامی می‌تواند با اتخاذ و اجرای سیاست‌هایی در عرصه آموزش عالی به تقویت گرایش دانشجویان به هویت ملی خود کمک کند: برنامه‌ریزی جهت شناخت معرفت‌افزایانه دانشجویان از منابع هویت ملی ایران، جلوگیری از فرایند بومی‌گزینی دانشجویان

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسینی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۰۹

در دانشگاه، توجه به مؤلفه‌های هویتی اقوام ایرانی و تنوع قومی در سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی، مواجهه منطقی همراه فهم با فضای مجازی و بهره‌گیری از ظرفیت آن، و توجه بیش‌تر به علوم انسانی به‌منظور کاربرد آن در عرصه واقعی و عینی جامعه.

کتاب‌نامه

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰)، فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی‌شدن، تهران: تمدن ایرانی.
- ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۱)، «حکمرانی مردم‌سالارانه»، فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۲، ش ۱، ۱-۱۹.
- احمدپور، خسرو و سیدحسین سراجزاده (۱۳۹۸)، «هویت ملی در ایران: مرور سیستماتیک مقاله‌های علمی - پژوهشی»، فصل‌نامه مطالعات ملی، دوره ۱۲، ش ۱، پیاپی ۷۸، ۳-۲۴.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، «آموزش عالی؛ وحدت و هم‌بستگی ملی در ایران»، در: نهادهای اجتماعی و هم‌بستگی ملی، تهران: تمدن ایرانی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، علم سیاست در ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نی.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲)، بحران هویت در جامعه معاصر ایران، تهران: چاپخش.
- بابایی فرد، اسدالله و خدیجه شرقی (۱۳۹۳)، «اینترنت، هویت، زندگی روزمره دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی رامسر»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، س ۵، ش ۲، ۱-۳۶.
- بذرافشان مقدم، مجتبی، علی مهدوی شکیب، و مریم خجسته بوجار (۱۳۹۳)، «بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی»، فصل‌نامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزش‌یابی آموزشی، س ۴، ش ۵، ۸۱-۱۱۳.
- بروجردی علوی، مهدخت و امیرسعید صدیق یزدچی (۱۳۹۶)، «تأثیر فضای مجازی بر هویت ملی و قومی در ایران»، فصل‌نامه مطالعات رسانه‌های نوین، دوره ۳، ش ۱۲، ۸۷-۱۱۰.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳ الف)، عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳ ب)، «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، در: گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- بلالی، اسماعیل و سیدهفاطمه محبی (۱۳۹۷)، «چالش‌های نظام آموزش عالی در موضوع قومیت و راهبردهای سیاست‌گذاری»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۷، ش ۳، ۵۵۳-۵۷۷.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- جعفری، سکینه (۱۳۹۸)، «مؤلفه‌های جهانی‌شدن دانشگاه در نظام دانشگاهی ایران از نظر صاحب‌نظران»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی آموزش عالی ایران، س ۱۱، ش ۲، ۱-۲۶.

۱۱۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

- حسنی‌فر، عبدالرحمن و مجید عباس‌زاده مرزبالی (۱۴۰۰)، «فضای مجازی، چالش هویت‌جویی قومی و راه‌کارهای پیش‌روی دولت جمهوری اسلامی»، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۷، ش ۱، ۱۷۸-۲۱۳.
- خدایی، ابراهیم و محمد مبارکی (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و هویت»، *رهافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، پیاپی ۱۶، ۱۱۹-۱۵۱.
- خندق، نجله و ابوذر کوثری (۱۳۹۷)، «تأثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران»، فصل‌نامه مطالعات ملی، دوره ۱۹، پیاپی ۷۵، ۶۷-۸۴.
- دانایی، ابوالفضل و مصطفی بابایی سارویی (۱۳۹۶)، «نقش رسانه‌های مجازی در گرایش به هویت ملی»، فصل‌نامه مطالعات ملی، دوره ۱۸، پیاپی ۷۱، ۴۳-۶۸.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۶)، *مشکله هویت ایرانیان/امروز، تهران: نی*.
- رمضان‌زاده، عبدالله و محمدعلی بهمنی قاجار (۱۳۸۷)، «هویت ایرانی و چندگانگی قومی»، فصل‌نامه مطالعات ملی، دوره ۹، پیاپی ۳۳، ۶۹-۹۵.
- ساعی، منصور، حسین حیدری، و احمد ساعی (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل تغییرات ارزش‌های اجتماعی جوانان با تأکید بر نقش تلویزیون‌های ماهواره‌ای»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پیاپی ۴۱، ۱۳۱-۱۵۲.
- سلامی، نیکا، هادی رزقی شیرسوار، و محمود حقانی (۱۳۹۷)، «شناسایی عوامل ایستایی-پویایی نظام آموزش عالی در ایران»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی آموزش عالی ایران، س ۱۰، ش ۲، ۸۹-۱۱۰.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱)، «گوناگونی فرهنگی و ضرورت پاسداری از آن»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، پیاپی ۲۰، ۱۶۹-۱۹۱.
- سیدعلوی، سیدمحمد و بهناز مهاجران (۱۳۹۶)، «الزامات آموزش عالی ایران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت»، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۳، ش ۱، ۱۳۷-۱۶۱.
- سیف‌اللهی، سیف‌اله، برزو مروت، و آرمان قیسوندی (۱۳۹۳)، «شکل‌گیری هویت قومی و ملی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در نزد ساکنان کرج»، فصل‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، س ۸، پیاپی ۲۴، ۱۰۳-۱۴۲.
- شیربگی، ناصر و نسیم عبدالله‌زاده (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان سیاست‌گذاری آموزشی در نظام آموزش عالی ایران»، فصل‌نامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، ش ۲، ۱۷۹-۲۰۰.
- صالحی امیری، سیدرضا، محمدباقر نوبخت حقیقی، و طاهره ذره‌پرست ملک‌زاده (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای هویت ملی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان مدیریت امور فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی رشت)»، فصل‌نامه راه‌برد اجتماعی فرهنگی، س ۳، ش ۱۱، ۹۷-۱۱۶.
- صباغیان، علی (۱۳۹۸)، «الزامات و پی‌آمدهای تحول حکم‌رانی آموزش عالی در اروپا»، فصل‌نامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، ش ۲، ۲۲۹-۲۴۷.

نقش نظام حکمرانی آموزش ... (عبدالرحمن حسنی فر و مجید عباسزاده مرزبالی) ۱۱۱

طالبی، ابوتراب و یاور عیوضی (۱۳۹۲)، «هویت‌طلبی قومی در فضای مجازی»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پیاپی ۱۶، ۱۳۵-۱۷۲.

طیبنیا، مهری‌السادات (۱۳۹۷)، دانشگاه، هویت و سیاست زندگی زنان، تهران: دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری.

عباسزاده مرزبالی، مجید (۱۴۰۰)، جهانی‌شدن، فضای مجازی و هویت ملی در ایران: چالش‌ها و راه‌کارها، تهران: کویر.

عباسی قادی، مجتبی و مرتضی خلیلی کاشانی (۱۳۹۰)، تأثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عدلی‌پور، صمد، حمید سلیمانی، و اقبال مفاخری (۱۳۹۳)، «رابطه مصرف رسانه‌ای با هویت اجتماعی و سبک زندگی نوین در بین جوانان شهر تبریز»، فصل‌نامه پژوهش‌های ارتباطی، س ۲۱، پیاپی ۷۹، ۱۲۱-۱۴۶.

عدلی‌پور، صمد، وحید قاسمی، و مسعود کیانپور (۱۳۹۲)، «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان»، فصل‌نامه مطالعات ملی، دوره ۱۴، پیاپی ۵۶، ۱۴۱-۱۶۴.

عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۸)، «ماهیت و شاخص‌های حکمرانی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۷، پیاپی ۱۶، ۱۲۵-۱۵۵.

قادرزاده، امید (۱۳۹۱)، «هویت جمعی غالب در نشریات دانشجویی کردزبان»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، پیاپی ۵۶، ۲۰۴-۲۵۱.

قادرزاده، امید و مریم احمدپور (۱۳۹۰)، «کاربری اینترنت و تأثیر آن بر هویت اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۱۸، پیاپی ۳۹، ۳۵-۶۸.

قاسمی، حاکم (۱۳۹۰)، «هم‌بستگی ملی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، مورد مطالعه: کتاب‌های فارسی»، در: نهادهای اجتماعی و هم‌بستگی ملی در ایران، تهران: تمدن ایرانی.

قاسمی، علی‌اصغر و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۰)، «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، فصل‌نامه راه‌برد، پیاپی ۵۹، ۱۰۷-۱۳۸.

قجری، علی و یونس نوربخش (۱۴۰۰)، «فصل‌نامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی»، س ۹، پیاپی ۱۷، ۳۹-۶۷.

کریمی، علی (۱۳۹۰)، «تأملی نظری درباره نسبت آموزش عالی و هم‌بستگی اجتماعی؛ مرور اجتماعی تجربه مالزی»، فصل‌نامه مطالعات ملی؛ ویژه‌نامه، دوره ۱۲، ش ۱، ۷۷-۱۰۴.

کریمیان، زهرا و علی‌محمد احمدوند (۱۳۹۱)، «جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه‌ها»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۵، ش ۳، ۴۷-۷۶.

کیان، مریم و زهره قلی‌پور (۱۳۹۵)، «آثار تربیتی شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر هویت ملی و دینی دانشجویان»، فصل‌نامه رسانه، س ۲۷، ش ۲، ۱۰۵-۱۲۲.

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۹)، *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *پی‌آمدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷)، *دموکراسی و هویت ایرانی*، تهران: کویر.
- مسعودنیا، حسین، رضا محموداغلی، و حوا ابراهیمی‌پور (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه مصرف اینترنت و هویت دینی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، دوره ۱۷، پیاپی ۶۵، ۱۰۷-۱۳۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۱ الف)، *مقدمه*، در: *هویت و هم‌بستگی ملی در نظام آموزشی ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۹۱ ب)، «بایسته‌های نظام آموزشی ایران در حوزه سیاست‌گذاری‌های هویتی و هم‌بستگی ملی»، در: *هویت و هم‌بستگی ملی در نظام آموزشی ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- مه‌دیه، عارفه، رضا همتی، و ابوعلی دادهیر (۱۳۹۵)، «فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری؛ مورد دانشگاه اصفهان»، *فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۲، ش ۱، ۴۵-۷۳.
- میرمحمدی، داود (۱۳۹۴)، *فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- نظری، علی‌اشرف و صمد باقری (۱۳۹۰)، «آموزش عالی و هم‌بستگی ملی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)»، *فصل‌نامه مطالعات ملی: ویژه‌نامه*، دوره ۱۲، ش ۱، ۲۸-۳.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نیکونستی، علی (۱۳۹۰)، «حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی و بودجه*، س ۱۶، ش ۴، ۱۲۹-۱۵۴.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، *جهانی‌شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- همتی، رضا و شهناز اصلانی (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر شکل‌گیری هویت دانشگاهی دانشجویان با تأکید بر اینترنت»، *فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۲۱، ش ۳، ۱۲۱-۱۴۹.

Bevir, M. (2012), *Governance, Very Short Introduction*, Oxford: Oxford University Press.

Enders, J. (2004), "Higher Education, Internationalization, and the Nation-State: Recent Developments and Challenges to Governance Theory", *Higher Education*, vol. 47, 361-382.

Henkel, M. (2005), "Academic Identity and Autonomy in a Changing Policy Environment", *Higher Education*, vol. 49, no. 1-2, 155-176.

Kjaer, A. M. (2008), *Governance*, Cambridge: Polity.

Lewellen, T. (2010), *The Anthropology of Globalization: Cultural Anthropology Enters the 12st Century*, Jaipur: Rawat.

Woodward, K. (2000), *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*, London: Routledge.